



نجمه چمشیدی

خیابان جردن را که از سرفرشته وارد شوی، کمی که جلو بروی، به خیابان ناهید می‌رسی. وارد خیابان ناهید شوی، کمی جلوتر باساختمانی مواجه می‌شوی که گویا از دوران باشکوه گذشته و از میان برگ‌های تاریخ سرسبز آورده و آمده تا معماری باشکوه‌اش را به رخت بکشد. کاخ ثابت پاسال، کاخ ورسای ایرانی، کاخ سنگی و ... این‌ها تعدادی از عنوان‌هایی است که این ساختمان باشکوه خیابان ناهید جردن را به آن نام‌ها می‌خوانند.

کاخ ورسای ایرانی

خانه شناخته شده بانوان کاخ ثابت پاسال متعلق به دوره محمدرضا پهلوی با مساحت بیش از ۱۱ هزار و ۵۴۳ متر مربع در کوچه ناهید در ابتدای بلوار آفریقا (جردن)، تقاطع خیابان حمیده طاهری و محمد روانپور جای گرفته است. این خانه پیش از انقلاب، گران‌ترین و بزرگ‌ترین خانه شهر تهران بوده است؛ به گونه‌ای که ارزش آن در آن زمان ۱۵ میلیون دلار برآورد شده بود. پیش از انقلاب از این عمارت باشکوه به عنوان «قصر سنگی» یاد می‌شد. این کاخ اما با عنوان «کاخ ورسای ایران» نیز شناخته می‌شود و معمار آن از روی الگوی معماری قصر پتی ترابانو (ترابانو کوچک) در ورسای ساخته شده است. کاخ «ورسای» اکنون اما شاید نماد و نشانه‌ای از شکوفایی دوره‌ای از معماری ایران باشد.

اما به نظر چمران، رییس شورای شهر تهران، این کاخ ارزش میراثی و معماری ندارد و به مالک آن علی انصاری پیشنهاد ساخت مسجد و مرکز تجاری برای تأمین هزینه‌های مسجد را به جای کاخ ورسای داده است. به گفته فعالان میراث فرهنگی، عنوان چنین پیشنهادی از سوی چمران که همیشه در حال سنگ‌اندازی بر سر راه میراث فرهنگی تهران بوده، جای تعجب ندارد و همچنین تخریب یک بنای ارزشمند میراثی به نام مسجد اما به کام تجاری‌سازی، یکی از روش‌های معمول علی انصاری مدیرعامل بانک آینده است.

ساخت مسجد به جای کاخ ورسای

چمران در مصاحبه‌ای با تیتراژ شهر گفته است: «طرف عمارت ثابت پاسال، ساخت و ساز و وجود ندارد و تاکنون این عمارت ثبت میراثی نشده است زیرا این عمارت اصلاحیث میراثی ندارد. این در حالی است که می‌خواهند در این عمارت مجتمع تجاری بسازند و بلندمرتبه سازی کنند اما پیشنهاد دادیم این کار صورت نپذیرد و به صورتی این برنامه عوض شد. در حال حاضر یکی از نهادها، این عمارت را تملک کرد و به او پیشنهاد دادیم مرکز فرهنگی و مذهبی در آنجا ساخته شود یعنی مسجد بسازند. پیشنهاد شورای شهر به جای حفظ گران‌ترین خانه تهران، ساخت مسجد است البته باید در این مکان بتواند هزینه‌های خود را در بیارد.»

به این جنس سخنان چمران عادت کرده ایم

سخنان چمران درباره کاخ ورسای جردن در آخرین روزهای عمر شورای چهارم موجب تعجب و اما متأسف بسیاری از دوستان و کارشناسان شد. دبیر کمیته مردم نهاد پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی به «قانون» درباره اظهار نظر چمران در خصوص «کاخ ورسای» گفت: «این سخنان برای فعالان میراث فرهنگی دیگر تعجب‌آور نیست. چندین سال است که به این گونه سخنان و تصمیم‌گیری‌هایی از این جنس از سوی ایشان عادت کرده‌ایم. چمران همیشه یک مانعی برای

با چراغ سبز چمران، بانک آینده آماده تخریب بزرگ‌ترین خانه تاریخی تهران می‌شود



بولدزرها پشت در کاخ «ورسای»

- تخریب یک بنای به نام مسجد، اما به کام تجاری‌سازی، یکی از روش‌های معمول علی انصاری، مدیرعامل بانک آینده است
- آیا چمران به عنوان یک معمار از ارزش‌های معماری کاخ ورسای بی‌اطلاع هستند؟ اگر چنین است که باید به مدیر کاخ ایشانشان نیز شک کرد
- دفتر رهبری دستور داده‌اند که از هر گونه تخریب این بنا جلوگیری شود؛ حال با وجود این دستور، آن‌ها چگونه می‌خواهند این بنا را تخریب کنند
- چمران همیشه مانعی برای میراث فرهنگی پایتخت بوده است
- مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران با ثبت ملی کاخ ورسای مخالفت کرد
- کاخ «ورسای» اگر ثبت ملی شود، شهرداری نمی‌تواند پروانه ساخت را برای آن صادر کند

میراث فرهنگی پایتخت بوده است. بارها تلاش کرده‌ایم که جلوی تخریب یک خانه تاریخی را بگیریم اما چمران مانع آن شده است. به عنوان مثال در زمان ریاست مسجد جماعتی بر شورای شهر، خرید و ثبت خانه تاریخی معین‌التجار پوشه‌ی به نام خانه خلیج فارس مصوب شد اما پس از آنکه چمران دوباره رییس شورای شهر تهران شد، بیان کرد که این کار موجب زحمت و هزینه برای شهرداری تهران است و آن را اجرا نکند. کارنامه چمران پر از این گونه اقدامات است. این در حالی است که طبق قانون، شهرداری‌ها موظف هستند بخشی از بودجه خود را به میراث

تاریخی شهر خود اختصاص دهند. **به مدیر کل معماری چمران باید شک کرد** سجاد عسگری ادامه داد: «بسیاری از خانه‌های تاریخی که در تهران حفظ شده‌اند، زمانی بوده است که ایشان رییس شورای شهر نبوده‌اند. به عنوان نمونه، خانه اتحادیه در زمان ریاست مسجد جماعتی مصوب شد. نکته جالب توجه درباره چمران این است که ایشان معمار هستند و بیش از هر عضو دیگر شورا، انتظار حمایت از میراث معماری تهران از او می‌رود اما همیشه در حوزه میراث فرهنگی سنگ‌اندازی می‌کنند.

مسئله مهم درباره اظهار نظر ایشان درباره کاخ ورسای این است که آیا چمران به عنوان یک معمار از ارزش‌های معماری این بنا بی‌اطلاع هستند؟ اگر چنین است که باید به مدیر کل ایشان نیز شک کرد. **به نام مسجد به کام تجاری** عسگری درباره ساخت مسجد به جای کاخ ورسای عنوان کرد: «این ملک متعلق به علی انصاری، مدیرعامل بانک آینده است. شیوه مرسوم علی انصاری این است که ابتدا در ملکی که می‌خواهد تجاری‌سازی انجام دهد، یک مسجد می‌سازد و بعد اقدام به تجاری‌سازی می‌کند. در حقیقت مسجد تنها یک بهانه برای مجتمع‌های تجاری ایشان است. نمونه بارز آن مسجد رسول... در خیابان ولیعصر بالاتر از پارک کووی در خیابان امیر شریفی است. علی

عسگری درباره ساخت مسجد به جای کاخ ورسای عنوان کرد: «این ملک متعلق به علی انصاری، مدیرعامل بانک آینده است. شیوه مرسوم علی انصاری این است که ابتدا در ملکی که می‌خواهد تجاری‌سازی انجام دهد، یک مسجد می‌سازد و بعد اقدام به تجاری‌سازی می‌کند. در حقیقت مسجد تنها یک بهانه برای مجتمع‌های تجاری ایشان است. نمونه بارز آن مسجد رسول... در خیابان ولیعصر بالاتر از پارک کووی در خیابان امیر شریفی است. علی

جامعه

گچسر» رخ داده، در انتظار این کاخ‌ها نیز هست.

دستور قرظینه کاخ ورسای

این اولین خبری نبود که درباره تخریب کاخ ورسای منتشر شده است؛ بارها این کاخ مورد هجوم برج‌سازان قرار گرفته است. سال گذشته رسانه‌های شدن خبر تغییر کاربری گران‌ترین و بزرگ‌ترین خانه تهران به یک «مال» اعتراض‌های فراوانی را به دنبال داشت. کاربری این کاخ در طرح تفصیلی جدید شهر تهران به پهنه کلان (M) و پهنه (M۱۱) یعنی مختلط تجاری، اداری و خدمات مسکونی تغییر یافته و قرار بود برچی ۹ طبقه و با تراکم ساختمانی ۴۴۰ درصد و حداقل ضریب سکونت ۵۰ درصد به جای کاخ علم شود. دامنه اعتراضات تا جایی پیش رفت که دستور قرظینه آن از سوی دفتر رهبری صادر و از تخریب آن جلوگیری شد. اما پرونده اخذ مجوز برای تغییر کاربری همچنان در شهرداری باز است و مالک آن پیگیر اخذ مجوز است.

کاخ «ورسای» در انتظار ثبت ملی

با وجود اظهار نظر بسیاری از کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی درباره ارزشمند بودن این بنا، کاخ ورسای تاکنون به ثبت ملی نرسیده است و همین عدم ثبت موجب شده که هر ساله پایه‌های کاخ «ورسای» به لرزه بيفتد. به گفته مسئولان سازمان میراث فرهنگی، نام کاخ «ورسای» در فهرست خانه‌های تاریخی پایتخت نیست و مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران با ثبت ملی این بنا مخالفت کردند. مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران گفته است: «این بنا مطابق نظر کارشناسان ارزشمند نیست و قابلیت ثبت را در فهرست آثار ملی ندارد.»

اما محمد حسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی سازمان، نظر دیگری درباره کاخ «ورسای» دارد. او می‌گوید: «من به مدیر میراث فرهنگی استان تهران اعتراضات لازم را کردم، مسئولیت ثبت آثار این ستاد است و ارتباطی با میراث فرهنگی استان ندارد، بنابراین مدارک لازم تهیه شده تا در شورای ثبت بررسی شود. موضوع بحث ارزش‌های معماری و بناهای ارزشمند شهری و جلوگیری از تخریب این ابنیه تنها مربوط به میراث فرهنگی نیست و وزارت شهرسازی، شهرداری، دانشگاه‌ها و نهادهای دیگر نیز باید گزارش دهند. ارزش معماری این ساختمان برای شهرداری و وزارت شهرسازی نیز روشن است و وظیفه مدیریت شهری است که ارزش معماری این بناها را حفظ کند و از تخریب آن جلوگیری کند. باید پرونده ثبت کاخ «ورسای» در شورای فنی سازمان بررسی و نتیجه پایانی اعلام شود.»

کاخ «ورسای» در حال فریز است

پیروز حناچی، معاون شهرسازی وزارت راه و شهرسازی نیز با ارزشمند خواندن کاخ «ورسای» گفت: «تنها راه جلوگیری از تخریب این بنای ارزشمند، ثبت ملی آن است؛ در این صورت شهرداری نمی‌تواند پروانه ساخت آن را صادر کند. در گذشته، بخش خصوصی تصمیم بر تخریب این بنا را داشت که با سازمان بازرسی و شهرداری تهران مکاتبه کردیم و دستور توقف انجام هر عملیاتی برای این اثر ارزشمند را اعلام کردیم. ظاهر این نامه بی‌اثر نبوده و فعلا در حال فریز است. این بنا نباید به صورت خروبه برها شود و باید متناسب با فاخر بودنش کاربری داشته باشد.»

وقتی شهرداری کاخ «ورسای» را یک خانه معمولی می‌داند!

محسن موسوی مسعودآبادی، معاون شهرسازی و معماری منطقه ۳ تهران در مصاحبه‌ای به «قانون» پیش از این گفته بود: «این بنا تاریخی نیست و هیچ ارزش تاریخی و معماری ندارد؛ از نظر شهرداری، جایی ارزش تاریخی دارد که میراث فرهنگی،

انصاری در آنجا یک مسجد شبیه به مسجدالنبی ساخته و پشت مسجد، یک مجتمع بزرگ تجاری و اداری احداث کرده است. پیشنهادی که چمران به علی انصاری برای ساخت مسجد داده است، برای فعالان میراث فرهنگی دور از ذهن نبود.»

چرا از تجربه‌های گذشته استفاده نمی‌کنند!

دبیر کمیته خانه‌های تاریخی تهران با اشاره به سابقه تاریخی تغییر کاربری در ایران، گفت: «چرا دوستان از تجربه‌های تاریخی استفاده نمی‌کنند. آن‌ها اعلام می‌کنند که آنجا متعلق به یک پهلایی بوده است. اما پرسش من این است که آیا خانه پهلایی دیگری در تهران وجود ندارد؟

مرکز پهلایی‌ها در تهران در حال حاضر، ساختمان فعلی حوزه هنری است. به جای تخریب یک بنای فوق ارزشمند دوره پهلوی آن را به حوزه هنری تغییر کاربری داده‌اند. اگر از مراجعه کنندگان حوزه هنری سؤال کنید که آیا می‌دانند در گذشته این ساختمان چه بوده است، فکر می‌کنید چند نفر اطلاع دارند. بسیاری نمی‌دانند. در طول تاریخ این اقدام بارها تکرار شده است. بسیاری از آشکده‌های ایرانی پس از اسلام به مسجد تغییر کاربری داده شده‌اند. نمی‌دانم چرا دوستان اصرار دارند که از تجربه‌های گذشته استفاده نکنند و خود شیوه جدید ابداع کنند.»

حکم رهبری؛ جلوگیری از تخریب کاخ ورسای

عسگری با اشاره به حکم رهبری درباره کاخ ورسای گفت: «پس از انتشار اولین گزارش درباره کاخ ورسای از دفتر رهبری دستور داده‌اند که از هر گونه تخریب این بنا جلوگیری شود؛ حال با وجود دستور رهبری، آن‌ها چگونه می‌خواهند این بنای ارزشمند معماری را تخریب کنند. یکی از پیشنهاد‌های کارشناسان میراث فرهنگی برای این بنا تغییر کاربری آن به یک هتل لوکس در تهران است؛ هتلی که می‌تواند معروف‌ترین هتل ایران شود.»

گزارش ۲

نوحانی) اشاره کنیم که دو نفر از اعضای آن در سומالی کشته شده و پدر این خانواده برای تأمین معاش چاره‌ای جز تکدی‌گری نیافته است. خانواده‌های ملوانان اسیر، در ادامه خطاب به رییس جمهوری نوشته‌اند: جناب آقای روحانی منظور ما از نوشتن این نامه، شرح اضطراب و رنجی که در این دو سال متحمل شده‌ایم، نیست. ما مادران و همسران و خانواده‌های نادفاری که حتی به هزار شهیدان مان نیز دسترسی نداریم، نامیدتر از همیشه شما را خطاب دردمان قرار داده‌ایم تا اقدامی برای آزادی هشت بازمانده صورت دهید؛ چرا که حل این موضوع جز از راه مذاخه مستقیم شما میسر نیست. عزیزان ما کارگران فعلی بودند که قربانی یکی از حوادث رایج کار در این منطقه شده‌اند. آنان برای کار و کسب روزی حلال به دریا بازده بودند و از این رومادر گذشتگان این واقعه را شهید می‌دانیم. ما نه بیمه‌ای داریم که به پشتوانه آن مطالبه غرامت کنیم و نه چیز دیگری برای فروش و تأمین مالی که در دستان آزادی و برای تأمین غذای عزیزان مان می‌خواهند. ما منتظاری بیش از حمایتی که از قربانیان حادثه معدن بورت و

نامه خانواده‌های ملوانان اسیر به حسن روحانی:

این آخرین امید است

و بلوچستان را آخرین امید ما برای آزادی صیادان ایرانی اسیر در دست دزدان دریایی سومالی خوانده‌اند. در این نامه آمده است: ما امضاکنندگان این نامه، هشت نفر از عزیزان خود را در خاک سومالی از دست داده‌ایم و اگر امروز از شما و عضو محبوب کابینه‌تان جناب آقای طرف استمداد می‌جویم، برای آزادی و نجات جان هشت صیاد دیگری است که همچنان در دست دزدان دریایی سومالی و در شرایط غیر انسانی اسیر هستند. عزیزان ما از ششم فروردین ۱۳۹۴ به اسارت در دزدان دریایی سومالی درآمده‌اند و متأسفانه هشت نفر از آنان گرسنگی، تشنگی و شکنجه‌های جسمی را تاب نیاورده و در اسارت جان خود را از دست داده‌اند. این قربانیان همگی صیاد و نان‌آوران خانواده خود بوده‌اند. برای توصیف وضعیت خانواده‌ها کافی است به یک مورد (خانواده

۲۶ ماه از ر بوده شدن ملوانان ایرانی توسط دزدان دریایی سومالی می‌گذرد و هنوز تلاش‌ها برای راه‌یابی و بازگشت ملوانان به کشور ادامه دارد. خانواده‌های ملوانان درین، ماه‌هاست که در نگرانی از سرنوشت عزیزان شان به سر می‌برند و پیگیری‌هایشان از مقامات محلی تا مسئولان ارشد وزارت خارجه و مجلس شورای اسلامی تاکنون بی نتیجه مانده است. این بار اما نوبت به نگران نامه مردم سیستان و بلوچستان برای پیگیری وضعیت ملوانان از حسن روحانی، رییس جمهوری رسیده است تا شاید همچنان کورسوهایی امید برای نجات ملوانان باقی بماند. در این نامه که ابتدا پیروزی رییس جمهوری در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری تبریک گفته شده است، خانواده‌های ملوانان، انتخاب قاطع روحانی در شهرها و روستاهای سیستان

یادداشت

گذری بر افول اندیشه ورزی ایرانی

یک لحظه تمام کشور را در بر می‌گیرد. از وبلاگ‌ها گرفته تا شبکه‌های ارتباطی جدیدی مانند تلگرام که ابزار‌هایی برای ارسال این جملات و جذب فالوور می‌توانند باشند. چنانکه صفحه اینستاگرام تلنو، خواننده زیر مینی بیش از چهار میلیون عضو دارد، در حالی که کانال‌های تلگرامی افراد مشهور در حوزه اندیشه به زحمت به چند هزار نفر می‌رسد. این نکته را می‌شود به گونه‌ای دیگر نیز دید؛ این گونه که اندیشمندان ما حرف جدید و قابل ملاحظه‌ای در دهه‌های اخیر نزنده‌اند که افراد جامعه به سمت کتب و آثارشان که به مراتب در مقایسه با جملات

کوتاه، صفحات بیشتری را در بر می‌گیرند، جلب شوند. اندیشه ورزی در ایران در دهه‌های اخیر بیش از آنکه دغدغه حل مسأله‌ای را داشته باشد، گرفتار بالابردن شخصیت فردی بوده است. چاپ کتاب‌های بی‌دری و مقالاتی که در روزنامه‌ها و مجلات نشر می‌شوند، ضامن این ادعاست. گویی اندیشمندان و روشنفکران پیش از تامل، می‌نویسند و بیش از درک مسائل و مشکلاتی که جامعه را در بر گرفته است و سبب استایی شده است، به فکر چگونگی مطرح کردن خود بوده‌اند. بنابراین بی‌حوصلگی در پژوهش، یکی دیگر از معضلات



بخشی به دلیل گم‌کردن نگاه‌بان مسلح در قایق‌ها و همچنین برقراری گشت‌های نیروهای دریایی بین المللی در سواحل این منطقه بود. هنوز ده‌ها گروگان در دست دزدان دریایی هستند که شامل ۲۶ دریانوردی قایق ماهیگیری «نهام ۳» می‌شود که در مارس ۲۰۱۲ به اشغال درآمد.

بداند که با خواندن کلی نگرانه چند مقاله، نمی‌تواند اثری پخته‌تر فراهم آورد و آنان که در وسعتی جهانی اندیشه‌شان طرفدار پیدا می‌کند، پس از مطالعه‌ی هزاران کتاب و تفحص در باب معضلات جوامع به این مهم دست یافته‌اند. بی‌حوصلگی اندیشه در ایران در تقابل علمی نیز خود را نمایان کرده است. در دهه‌های اخیر دیده‌ها شنیده می‌شود که فلان استاد دانشگاه، مطالب شخص دیگری را به نام خود چاپ کرده است. در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ چندین تقابل علمی از طرف افراد سرشناس در حوزه تفکر رسانه‌ای شده؛ بی‌شک یکی از دلایل این معضل، ضعف دیده شدن در میان روشنفکران ایرانی است تا جایی که اثر شخص دیگری را به نام خود چاپ می‌کنند یا کتانی دیگر به تعداد کتاب‌هایشان اضافه شود و به عنوان مرکز فعل معرفی شوند.